

اللَّهُمَّ احْمَدُكَ

عنوان:

افزایش خلاقیت و یادگیری دانش آموزان دختر پایه دوم مقطع
ابتدایی ناحیه ۲ یزد با بهره‌گیری از قصه‌گویی و نمایش خلاق

نام و نام نویسنده مسوول: فاطمه زکی زاده قریه علی^۱

نام و نام خانوادگی نویسنده دوم: لیلا یآوری^۲

۱- کارشناسی علوم تربیتی (آموزش ابتدایی)، اداره آموزش و پرورش استان یزد، ناحیه

۲ یزد

Fatemahzakizadeh99@gmail.com

۰۹۱۹۳۶۳۸۷۱۵

۲- کارشناسی علوم تربیتی (آموزش ابتدایی)، اداره آموزش و پرورش استان یزد،

ناحیه ۲ یزد

Amiryavary2002@gmail.com

۰۹۱۳۸۵۹۹۴۸۳

• چکیده

یکی از اهداف مشترکی که نظام های آموزشی در سرار دنیا به دنبال آن هستند ؛ افزایش خلاقیت و یادگیر دانش آموزان است به گونه ای که بتوانند به آسانی خود را با جامعه ای که دستخوش تغییرات وفق دهند و مسائل را با اموخته های خود حل کنند. پژوهش حاضر تحت عنوان : " افزایش خلاقیت و یادگیری دانش آموزان دختر پایه دوم مقطع ابتدایی ناحیه ۲ یزد با بهره گیری از قصه گویی و نمایش خلاق " اهداف زیر را دنبال می کند. بر اساس یافته های حاصل از تحقیق، روش تحقیق در این پروژه روش نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون _ پس آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری این پژوهش دانش آموزان دختر پایه دوم مقطع ابتدایی دبستان سلیمیان ناحیه ۲ شهر یزد می باشد که به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای تک مرحله ای به تعداد ۶۰ نفر انتخاب شدند. اطلاعات مورد نیاز این تحقیق ، از طریق اجرای فرم A تصویری از خلاقیت تورنس جمع اوری شده است. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از روش های آمار توصیفی و آمار استنباطی مستقل صورت گرفته است.

کلمات کلیدی : خلاقیت - نمایش خلاق - قصه گویی - روش - ابتدایی

● مقدمه

امروزه تغییر سریع دانش و تکنولوژی در جهان مشکلات عمده‌ای را بر سر راه نظام‌های آموزش و پرورش جهان قرار داده است که یکی از مهم‌ترین آنها پاسخ به این پرسش است که دانش آموزان در مدرسه چه باید بیاموزند تا بتوانند برای زندگی در دنیای متغیر و متحول فردا آماده شوند؟ پاسخگویی به این سوال در سایه روش‌های آموزش پیشرفته امکان‌پذیر است. به این جهت وظیفه و مسئولیت معلم امروز نسبت به گذشته سنگین‌تر و پیچیده‌تر شده است. دیگر نمی‌توان با روش‌های سنتی جامعه و افراد آن را به سوی یک تحول پیشرفته سوق داد. امروزه فراگیران نیز برای ورود به عصر دانایی و روبرو شدن با تحولات شگفت‌انگیز قرن بیست و یکم باید به طور فزاینده‌ای مهارت‌های تفکر انتقادی و خلاق را برای تصمیم‌گیری‌های مناسب و حل مسائل پیچیده جامعه فراگیرند. نظام‌های آموزشی دارای حوزه‌های مختلفی می‌باشند که برجسته‌ترین آنها برنامه‌ریزی درسی است. این حوزه به دلیل امنیتی که در جهت تحقق اهداف آموزشی دارد از سوی دست‌اندرکاران تربیتی و آموزشی به عنوان هسته مرکزی و قلب نظام آموزشی تلقی می‌گردد.

هدف نهایی همه برنامه‌ریزی‌های درسی تدوین برنامه‌های درسی مدون است. برنامه درسی را می‌توان به عنوان طرحی جهت آماده کردن مجموعه‌ای از فرصت‌های یادگیری برای افراد تحت تعلیم جهت تغییرات موثر و نسبتاً پایدار در ابعاد شخصیتی به لحاظ جسمانی، عاطفی، اجتماعی و شناختی تلقی کرد. اما سوال اساسی این است هنگامی که بحث از آموزش می‌شود منظور کدام آموزش است. دیویی می‌گوید: «از نظر من فرایند آموزش و هدف تعلیم و تربیت بازسازی مستمر تجربه است که این امر از طریق فعال بودن یادگیرنده در فرایند یادگیری حاصل می‌گردد. در روش تعلیم و

تربیت باید به قانون مستطر در طبیعت کودک توجه داشت مهمترین جنبه این قانون تقدم داشتن بعد فعال کودک بر بعد غیر فعال اوست.» (مهرمحمدی، ۱۳۸۱)

بنابراین آنچه که می تواند نقش کلیدی و موثر در تغییر یادگیری های دانش آموزان و موجب تحقق اهداف یک برنامه درسی می شود به کارگیری شیوه های یادگیری مبتنی بر تجربه یادگیرندگان است و حصول این امر فقط از طریق به کارگیری روش های فعال یادگیری امکان پذیر می باشد.

با توجه به تاکید دانشمندان تربیتی بر فعال بودن یادگیرندگان در فرایند یادگیری از طریق به کار به کارگیری روش های فعال آموزشی باید دید مفروضه های یادگیری فعال و ضرورت به کارگیری آن در امر تعلیم و تربیت چیست؟

بلادوین و ویلیام در کتاب یادگیری فعال معیارهای متمایز کننده رویکردهای فعال و غیر فعال را به شرح زیر بیان می کنند.

۱_ دانش آموزان به طور فعال با فرایند یادگیری درگیر می شوند.

۲_ فرایند یادگیری از علایق خواسته ها و ادراکات یادگیرندگان سرچشمه می گیرد.

۳_ محیط یادگیری به نحوی سازمان می یابد که در آن یادگیری دانش آموزان محور، جریان می یابد.

۴_ تجارب یادگیری به نحوی سازمان می رود که یادگیرنده را در روشن سازی و بیان نیازهایش کمک می کند.

۵_ هر دانش آموز می تواند بر اساس تجارب و اطلاعات خود در یادگیری نقش مهمی را ایفا کند.

۶_ معلم به همان اندازه از دانش آموزان یاد می گیرد که هر دانش آموز از وی و سایر دانش آموزان می آموزد.

۷_ در این نوع یادگیری استقلال یادگیرنده مهمترین رکن در یادگیری تلقی می شود.

۸_ مسئولیت معلم فقط تسهیل کننده فرایند یادگیری می باشد.

۹_ مهمترین ابزار برای بررسی میزان پیشرفت یادگیرنده در ارزشیابی خود دانش آموز می باشد.

۱۰_ در این نوع یادگیری نهایتاً فرایند یادگیری تبدیل به فرایند رشد و تکامل می شود. با توجه به رشد تکنولوژی و یافته های جدید علمی، سیستم های آموزشی موظف هستند که این اطلاعات حجیم را به یادگیرندگان خود انتقال دهد و از طرفی دیگر نمی توان با برنامه های درسی یکسان و به کارگیری روش های آموزشی غیر فعال و عمدتاً از طریق کتاب های درسی و توسط معلم مسائل را حل و فصل و دانش، اطلاعات را انتقال داد. بلکه باید از طریق برنامه های درسی مناسب متنوع موثر و به کارگیری روش های فعال آموزشی اقدام به پرورش مهارت های اساسی در دانش آموزانمون تا آنها خود بتوانند به کسب دانش و حل مسائل بپردازند.

مهارت های نظیر ادراک صحیح مطلب، قدرت پیش بینی پدیده ها، قدرت مقایسه، ارزیابی امور، پرورش قدرت ابتکار و نوآوری، یادگیری شیوه های اساسی برخورد با امور مختلف زندگی، کسب نگرش های اساسی در زمینه های گوناگون، فهم نظریات مختلف، رشد تفکر انتقادی، قدرت استنباط و تحلیل پدیده ها، از مهارت های اساسی می باشد که دانش آموزان و یادگیرندگان باید آنها را دریافت کنند.

مطالعات نشان می دهد که توانایی دانش آموزان ما در سطوح بالا یادگیری به ویژه مهارت های عملکردی و فرایندی در مقایسه با دانش آموزان کشورهای دیگر بسیار کمتر است و عملاً نظام آموزشی ما از طریق به کارگیری روش های غیر فعال دانش آموزان را به سوی یادگیری های حافظه ای سوق می دهد.

یکی از اهداف اساسی سیستم های تعلیم و تربیت در جهان امروز باید پرورش دادن افراد خلاق باشد. خلاقیت مقوله ای است که پرورش آن عمدتاً تحت تاثیر دو عامل است یک عامل درونی که به خصوصیات فردی مربوط می شود و تحت تاثیر عوامل

ژنتیکی است و دیگری عامل بیرونی که مربوط به عوامل محیطی و فرهنگی و تحت تاثیر مکان‌ها ، شرایط و ابزار است.

با توجه به اینکه خلاقیت از عوامل محیطی و فرهنگی است ، و آموزش نیز یک فعالیت اکتسابی و فرهنگی است پس ما می‌توانیم با بهره‌گیری از روش‌ها و ابزارهای مناسب آموزشی به پرورش قدرت آفرینندگی به خلاقیت در دانش آموزان اقدام کنیم . در واقع ما می‌توانیم خلاقیت را با آموزش رشد دهیم.

توجه به پرورش خلاقیت و دانش آموزان دوره ابتدایی از مسائل مهمی است که همواره مورد توجه متخصصان و صاحب نظران تعلیم و تربیت بوده و پیوسته از آن سوی آنان توصیه می‌شود و دلیل اهمیت این موضوع این است که مخاطبان این دوره دانش آموزانی هستند که هنوز شخصیت اصلی آنان شکل نگرفته و نوع آموزش و یادگیری در این دوره می‌توانند تاثیر عمیقی در عملکرد آینده این افراد به لحاظ کمی و کیفی باشد.

هدف از تحقیق بررسی تاثیر اجرای برنامه‌های درسی در مقطع ابتدایی با بهره‌گیری از قصه‌گویی و نمایش و خلاقیت دانش آموزان دختر مقطع ابتدایی برای پیشنهادات مناسب حاصل از این تحقیق است.

با توجه به موضوع تحقیق فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر تعیین شده است :

آموزش برنامه‌های درسی با استفاده از روش‌های قصه‌گویی و نمایش خلاق سبب افزایش نمره سیالی و بسط دانش آموزان می‌شود.

و همچنین سبب افزایش نمره انعطاف پذیری و خلاقیت دانش آموزان پایه دوم این مدرسه می‌گردد.

• **روش**

با توجه به اینکه متغیر مستقل این تحقیق بررسی تاثیر قصه گویی و نمایش خلاق است و متغیر وابسته خلاقیت است پس برای انجام این تحقیق از روش نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون_ پس آزمون با گروه کنترل استفاده شده است.

جامعه آماری این تحقیق کلیه دانش آموزان دختر پایه دوم دبستان سلیمیان ناحیه ۲ شهر یزد در سال تحصیلی ۱۴۰۱_۱۴۰۲ است. روش نمونه گیری در این تحقیق با استفاده از نمونه گیری تصادفی خوشه‌ای تک مرحله‌ای صورت گرفته است علت این امر آن است که واحد نمونه‌گیری در این تحقیق به جای فرد کلاس آموزشی بوده و عمل نمونه گیری با استفاده از خوشه فقط یکبار صورت گرفت.

بدین ترتیب که از بین کلیه دانش آموزان دختر پایه دوم دبستان سلیمیا که تعداد آنها ۸۰ نفر بوده است به طور تصادفی ۶۱ دانش آموز را انتخاب کردیم که ۳۰ نفر از کلاس نرگس ۱ و ۳۱ نفر از کلاس نرگس ۲ بودند که گروه گواه این تحقیق را تشکیل دادند.

به منظور جمع آوری داده‌های مورد نیاز در این تحقیق از فرم A تصویری آزمون خلاقیت تورنس استفاده شد. از بین آزمون‌های موجود برای اندازه‌گیری خلاقیت، آزمون تورنس بالاترین کاربرد را داشته است این آزمون بر پایه تئوری و تعریف وی از خلاقیت ساخته شده است. تورنس خلاقیت را به طور خلاصه مرکب از چهار عامل می‌داند:

۱_ سیالی: منظور از سیالی یا روانی استعداد تولید ایده‌های فراوان است.

۲_ بسط: منظور از بسط یا توضیح استعداد داشتن توجه به جزئیات یک امر است.

۳_ انعطاف پذیری: منظور از انعطاف پذیری استعداد تولید روش‌ها و معقوله‌های گوناگون است.

۴_ ابتکار: منظور از ابتکار استعداد تولید دهی بدیع غیر عادی و تازه است.

آزمون خلاقیت تورنس شامل دو بخش تصویری و کلامی است که آزمون کلامی آن دارای دو فرم A و B می‌باشد و پرسش حدس و نهایتاً نتیجه‌گیری صحیح با توجه به تصویر داده شده؛ توسعه و تکمیل یک اسباب بازی؛ استفاده غیرمعمولی از چیزهای دور ریختنی، پرسش‌های نادر و غیرمعمولی، حدس درست جز فعالیت‌های این آزمون می‌باشد همچنین آزمون تصویری نیز دارای دو فرم a و b می‌باشد که در این تحقیق از فرم a تصویری که شامل ۴ فعالیت می‌باشد استفاده شده است.

۱_ ساختن یک تصویر با استفاده از شکل

۲_ تکمیل تصاویر ناقص

۳_ ساختن تصویر با استفاده از دایره‌ها

۴_ ساختن تصویر با استفاده از خطوط موازی

این چهار فعالیت می‌باشد که آزمون اجرا شده از نظر روایی محتوا مورد تایید تعدادی از متخصصان تعلیم و تربیت و روانشناسی قرار گرفته است. همچنین ضریب پایایی این آزمون برای هر یک از مؤلفه‌های خلاقیت از طریق ضریب همبستگی پیرسون مورد محاسبه قرار گرفته است.

مسئله اساسی در اندازه‌گیری خلاقیت با آزمون‌های معتبر موجود این است که برای اجرا و نمره گذاری این آزمون‌ها به زمان طولانی نیاز است ابتدا آزمون‌های تفکر خلاق تورنس تهیه و ترجمه شد و نهایتاً از میان فعالیت‌های مختلف این چهار آزمون و فعالیت تصویری انتخاب شد. این فعالیت‌ها به صورت دفترچه‌ای به تعداد دانش آموزان تکثیر و در اختیار آنان قرار گرفت. (آزمون‌های خلاق تورنس برای افراد پایین‌تر از مقطع سوم ابتدایی باید به صورت فردی اجرا شود)

ابتدا توضیح کلی و مفید قابل فهم و به زبان خود دانش آموزان گفته شد و سعی کردیم تا محیطی آرام و به دور از تنش برای بچه‌ها ایجاد کنیم تا از هرگونه فشارهای

روانی و اضطراب به دور باشند. بعد از ارائه فعالیت‌های مورد نظر به دانش آموزان پیش آزمون تحقیق فوق در طی دو جلسه بین دانش آموزان به طور همزمان اجرا شد و بعد از اجرای پیش آزمون متغیرهای آزمایشی که شامل ۱۵ فعالیت قصه‌گویی و ۶ فعالیت نمایش خلاق بود طی ۲۱ جلسه توسط خود محقق دو بار در هفته با بهره‌گیری از ساعات هنر و فارسی اجرا شد و بعد از آن آزمون‌های تصویری تست تورنس مجدداً در قالب پس آزمون در بین بچه‌ها اجرا شد.

خلاصه‌ی از فعالیت‌های قصه‌گویی در طی ۱۵ جلسه به شرح زیر می‌باشد.

جلسه اول : یک قصه قدیمی تعریف شد و سعی کردیم که آن قصه را به یک قصه جدید تبدیل کردیم.

جلسه دوم: دو قصه کوتاه تعریف کردیم و آن دو را با یکدیگر ادغام کردیم و یک قصه جدید ساختیم

جلسه سوم : یک تصویر را به دانش آموزان نشان داده و از آنها خواستیم بر اساس آن یک داستان و قصه بسازد.

جلسه چهارم : یک جمله را به بچه‌ها ارائه کردیم و از آنها خواستیم که به نوبت یک جمله دیگر به آن اضافه کند به طوری که معنادار باشد و در پایان بتوانیم یک قصه جدید با آن بسازیم و آن را بیان کنیم

جلسه پنجم : قصه را به طور نصف بیان کردیم و از دانش آموزان خواستیم که آن قصه را با توجه به سلیقه خود به پایان برسانند.

جلسه ششم : یک قصه تعریف شد و از دانش آموزان خواستیم تا یک نقاشی بر اساس آنچه که دریافت کرده‌اند از رابطه قصه بکشند.

جلسه هفتم : چند جمله که صحیح و غلط بود را به صورت در هم به بچه‌ها ارائه می‌کنیم سپس از آنها می‌خواهیم جملات صحیح را تشخیص دهند و با آن یک قصه بسازند.

جلسه هشتم : صداهایی را به بچه‌ها ارائه می‌کنیم مثل صدای چشمه رعد و برق و از آنها می‌خواهیم یک قصه با توجه به صداهایی که شنیده‌اند بسازند.

جلسه نهم : در این جلسه در دو ستون مجزا تعداد کلمه و تصویر به دانش‌آموزان ارائه می‌کنیم سپس از آنها می‌خواهیم که بین کلمات و تصاویر این دو ستون ارتباط برقرار کنند و برای آن یک قصه را طراحی کند در واقع با این کلمات و تصاویر برای داستان خود تیتیر بسازند.

جلسه دهم : چند تصویر غیر مرتبط را ارائه می‌کنیم و از آنها می‌خواهیم بر اساس برداشت‌های خود از تصاویر یک داستان برای آن بسازد.

جلسه یازدهم: یک وسیله مثل یک سنگ مداد پاک کن به بچه‌ها نشان می‌دهیم و از آنها می‌خواهیم که قصه جدید بسازند طوری که آن وسیله قهرمان اصلی و نقطه عطف داستان آنها باشد.

جلسه دوازدهم : یک مفهوم آموزشی ارائه می‌شود و از دانش‌آموزان می‌خواهیم بر اساس آن مفهوم قصه بسازند مثلاً خط کش یا شابلون

جلسه سیزدهم : در این جلسه باید بر اساس چند نمادی که روی تابلو کشیده می‌شود بچه‌ها قصه بسازند.

جلسه چهاردهم : در این جلسه چند مفهوم متفاوت و غیر مرتبط به بچه‌ها ارائه می‌شود تا بر اساس آن قصه بسازند مثلاً گرگ _ بنزین قالی _ شیراب

جلسه پانزدهم : در جلسه پاندا قصه‌گویی دو نفره انجام می‌شود و به طوری محقق بخشی از یک قصه را بیان می‌کند نفر اول بخشی از آن را ادامه می‌دهد و سپس آن را رها می‌کنید و نفر دوم آن داستان را ادامه می‌دهد و به پایان می‌رساند.

فعالیت‌های نمایش خلاق را نیز به شرح زیر انجام دادیم:

یک داستان را انتخاب کردیم و آن را برای کلاس بازگو کردیم سپس طرح اصلی قصه و صحنه‌های مختلف را روی تابلو کشیدیم یک صحنه را برای اجرا انتخاب کردیم و

جزئیات آن را مشخص کردیم سپس درباره ظاهر صحنه انگیزه‌ها شخصیت زمان و غیره با بچه‌ها بحث و تبادل کردیم که این کار را چگونه انجام دهیم که بهترین نتیجه را دریافت کنیم و یک تصویر ذهنی کامل بسازیم. به کمک دانش آموزان بازیگران را انتخاب می‌کنیم و به آنها زمان می‌دهیم تا بتوانند برنامه‌ریزی کنند و درباره اجرای کار با یکدیگر بحث کنند. سپس بچه‌ها را توجیه کردیم که ممکن است فعالیت‌ها مجدداً توسط آنها تکرار شود تا به نتیجه مطلوب و مورد انتظار نزدیک شویم. از سایر دانش آموزان نیز خواستیم تا هر کدام ۵ نکته مثبت در ۵ نکته منفی در حین تماشای بازی به ذهن سپرده تا بعد از بازی ارائه دهد و آنها را اصلاح کند در واقع فعالیت دانش آموزان توسط هم‌نوعان و سایر دانش آموزان که تماشاگر هستند صورت می‌گیرد که این امر خود موجب پیدایش اندیشه‌ها و ایده‌های جدید می‌شود.

نمره ابتکار تصاویر ساخته با توجه به لیست الفبای پاسخ‌های احتمالی در کتابچه راهنمای نحوه اجرا و نمره گذاری آزمون خلاقیت تورنس از نمره ۱ تا ۵ مرتب شده است که این نمره به اضافه نمره عنوان (که آن نیز با توجه به عنوان ذکر شده به نمره ۱ تا ۳ تقسیم گردیده)، نمره ابتکار مربوط به این فعالیت را تشکیل داده است.

۲_ نمره بسط: به هر یک از جزئیات مشخص و ترسیم شده توسط آزمودنی نمراتی به شرح زیر تعلق گرفت.

تا ۵ عدد از جزئیات؛ ۱ امتیاز

۶ تا ۵ عدد از جزئیات؛ ۲ امتیاز

۱۳ تا ۱۹ عدد از جزئیات؛ ۳ امتیاز

۱۹ عدد به بالا از جزئیات؛ ۴ امتیاز.

به پاسخ‌های بی‌معنا؛ پاسخ‌های بی‌ارتباط؛ پاسخ‌های تکراری و غیر معتبر هیچ امتیازی تعلق نگرفته است و نمرات روانی و انعطلاف پذیر محاسبه نمی‌گردد.

فعالیت (۲)

نمره روانی : شمارش تعداد پاسخ های داده شده مرتبط با نوع فعالیت که صحیح و غیر تکراری بوده

نمره انعطاف پذیری : با توجه به دسته بندی ۶۸ گانه در کتابچه راهنمای تونس که برای این فعالیت مشخص و ثبت گردیده بود محاسبه شد.

نمره ابتکار : این فعالیت با توجه به لیست الفبای کتابچه راهنمای تونس محاسبه گردید

نمره بسط : مانند فعالیت ۱ محاسبه شد.

فعالیت (۳) تکمیل تصاویر

نمره روانی و انعطاف پذیری و بسز این فعالیت مانند فعالیت (۲) محاسبه شد و نمره ابتکار به توجه به فهرست پاسخ های احتمالی تعیین شده در کتابچه راهنما تست تونس محاسبه شد.

فعالیت (۴) خطوط موازی

نمره روانی ؛ انعطاف پذیری ؛ ابتکار و بسط این فعالیت مانند فعالیت (۲) انجام شد .

برای تجزیه و تحلیل داده های گردآوری شده ابتدا از آمار توصیفی برای تعیین میانگین، انحراف معیار و خطای استاندارد و در بخش آمار استنباطی از آزمون t مستقل برای دانش آموزان استفاده شد .

یافته ها با استفاده از انجام آزمون آماری در مورد آزمون فرضیه های تحقیق نتایج زیر به دست آمد

فرضیه اول : اجرای برنامه های درسی با بهره گیری از قصه گوئی و نمایش خلاق سبب افزایش نمره سیالی دانش آموزان می شود.

فرضیه دوم : اجرای برنامه های درسی با بهره گیری از قصه گوئی و نمایش خلاق افزایش نمره بست دانش آموزان پایه دوم ابتدایی را در بر دارد

فرضیه سوم : اجرای برنامه‌های درسی با بهره‌گیری از قصه‌گویی و نمایش خلاق سبب افزایش نمره ابتکار دانش آموزان می‌شود

فرضیه چهارم : اجرای برنامه‌های درسی با بهره‌گیری از قصه‌گویی و نمایش خلاق سبب افزایش نمره انعطاف پذیری دانش آموزان می‌گردد

فرضیه پنجم: اجرای برنامه‌های درسی با بهره‌گیری از قصه‌گویی و نمایش خلاق سبب افزایش نمره خلاقیت دانش آموزان می‌گردد.

• بحث و نتیجه گیری

هنر ابزار نیرومندی است که می‌توان از آن در جهت رشد استعدادهای مختلف دانش‌آموزان دوره ابتدایی از جمله رشد خلاقیت بهره گرفت.

یکی از فعالیت‌های هنری بهره‌گیری از هنر قصه‌گویی خلاق است که یک ارتباط دوجانبه و متقابل بین گوینده و شنونده قصه است که قصه گو با استفاده از فنون قصه‌گویی و با تحریک قوه تخیل پیام خود را به شکل جدیدتری به شنوندگان انتقال می‌دهد.

قصه‌گویی باعث رشد و پرورش تخیل کودکان می‌شود که تخیل یکی از مؤلفه‌های اساسی ساختار ذهن کودک است که فکر کودک را گسترش می‌دهد و در او انگیزه آموختن به وجود می‌آورد و به انسان کمک می‌کند که کشف کند و به تبیین خیالی یافته‌هایش بپردازد خود و محیط اطرافش را دگرگون کند و از نو بسازد تخیل مهم‌تر از دانش است در نتیجه باید در برنامه‌ریزی درسی ، تخیل به عنوان یکی از مهم‌ترین پایه‌های تربیتی تلقی شود و در رشد و پرورش آن بکوشیم و به آن توجه داشته باشیم که پرورش قوه تخیل نیاز به مواد اولیه به ابزار مناسب دارد. به جرات می‌توانیم بگوییم که هیچ ابزار و راهی مثل قصه و قصه‌گویی در تبلور خلاقیت در کودکان موثر نیست علت این امر آن است که قصه‌ها به صورت شفاهی بیان می‌شود و انسان‌ها در

هر بار شنیدن و باز گفتن می‌توانند متناسب با نیازهای خودشان در آنها تغییر به وجود آورد و آرمان‌ها و آرزوها و ایده‌های خود را در قالب قصه‌ها بیان کنند (فزلی ایباغ، ۱۳۸۳) و همچنین پیوند و رابطه متقابلی که در بیان قصه‌ها توسط قصه‌گوی ماهر در زمان و مکان معینی بین او و مخاطبانش به وجود می‌آورد نکته اساسی و قابل تامل است، در این رابطه قصه‌گو موفق می‌شود تخیل شنونده خود را به دام بیندازد و آن را تحریک کند و به طور مستمر دید تازه‌ای به آنها بدهد و ارتباط او را با انسان‌ها و اشیای دیگر مورد تجدید نظر قرار دهد و تصاویر تخیلی غنی و متنوعی را برای او فراهم کند و افراد را به پژوهشی و جهانی خلق کند که بر اساس کلمه‌ها و تخیل بنا شده است. (لالی، ۱۳۸۴) قصه‌گویی به عنوان یکی از قدیمی‌ترین و موثرترین مصادیق هنر جایگاه خود را در جهان پیشرفته امروز حفظ کنند و باعث به دام انداختن تخیل شنوندگانش که منشأ آفرینندگی است شود. از دیگر مصادیق هنری که می‌تواند در رشد خلاقیت دانش آموزان موثر باشد بهره‌گیری از هنر نمایش خلاق است در واقع نمایش خلاق شکلی از وانمود سازی است تجربه‌ای سازمان یافته است که با دقت طراحی می‌شود و به اجرا در می‌آید و کودکان در این فرایند خود صحنه، رویداد، مشکل یا واقع برخاسته از ادبیات کودکان نظیر قصه را با هدایت آموزگار خلق و بازآفرینی می‌کنند. (بهداد، ذاکر شهرک، ۱۳۸۲) نمایش خلاق شیوه آموزشی موضوعی است که از طریق آن کودک خلق و مربی رهبری می‌کند در حقیقت در این شیوه آموزشی مربی نقش واقعی خود را که مامایی علم و کمک به زایش افکار و ایده‌های جدید است ایفا می‌کند (کیانیان، ۱۳۸۳) نمایش خلاق را می‌توان یک شیوه اساسی یادگیری برای کودکان دانست که می‌تواند اهداف آموزشی و تربیتی بی‌شماری را پوشش دهد از جمله این اهداف: یادگیری نقش‌های گوناگون اجتماعی، تجربه وضعیت‌های ناهمگون، تعامل گروهی، کسب مهارت‌های ارتباطی؟ تخلیه روانی، انعطاف پذیر شدن، آمادگی جهت ورود به دنیای کار، تقویت برنامه‌های آموزشی تربیتی، کسب عادت‌های مفید، تمرین اصول دموکراتیک، حذف خودمحوری مربی از دستور دادن به راهنمایی کردن، درمان کودک و نهایتاً نیرو بخشیدن به قدرت تخیل و آزاد شدن نیروی خلاقانه در کودکان حاصل می‌گردد (فتحی، کیانیان، شفیع، ۱۳۸۳) با توجه به حجم انبوه مطالب آموزشی و پیشرفت علم نظام آموزشی

که صرفاً بر اساس آموزش‌های حافظه‌ای و یادگیری‌های غیر فعال باشد عملاً بی‌اثر و بی‌نتیجه است پس باید به دنبال این باشیم که در تعلیم و تربیت چه کاری باید انجام دهیم؟ بر چه اساس باید کار کنیم؟ از چه روش‌هایی باید استفاده کنیم؟ مسلماً با توجه به توضیحات داده شده این مسائل در ذهن ما قرار می‌گیرد که بهتر است از روش‌های فعال و خلاق نظیر قصه‌گویی و نمایش خلاق در آموزش دوره ابتدایی استفاده کنیم.

پیشنهاد می‌شود که :

- ۱_ برنامه‌های درسی به گونه‌ای طراحی شوند که از طریق فعالیت‌های قصه‌گویی و نمایش خلاق قابل ارائه و آموزش باشند.
- ۲_ دوره‌هایی را برای آموزش و انتقال تجربه‌های مفید قصه‌گویی و نمایش خلاق برای معلمان که مولفه اصلی آموزش هستند برگزار کنند.
- ۳_ درس‌هایی را با عنوان قصه و نمایش در کتاب‌های دوره ابتدایی قرار دهد به گونه‌ای که جز کتاب‌های اصلی و مهم آموزش باشد
- ۴_ از معلمانی که از نمایش خلاق و قصه‌گویی در مدارس بهره می‌برند و از این روش استفاده می‌کنند نهایت حمایت و توجه عمل آید.
- ۵_ امکاناتی نظیر فضای مناسب برای قصه‌گویی و نمایش خلاق را در مدارس ایجاد کند

• منابع :

- _ احمدی، غلامی ، کاربرد حل مسئله در آموزش علم، ۱۳۸۰
- _ تصدیقی، بررسی موانع و مشکلات پرورش خلاقیت در دانش آموزان شهرستان شهرضا، ۱۳۸۳
- _ دلاور، روش تحقیق در روان شناسی؛ ۱۳۷۹
- _ شفیع، کمال الدین ،چهل نهمین نشست نقد آثار تخیلی کودک و نوجوان ، ۱۳۸۳